

روتیتر * یادداشتی بر سینمایی «قاطر» ساخته کلینت استوود

تیتر * از نفس افتاده

نویسنده : علی رفیعی وردنجانی

Longtake.ir

قاطر ، آخرین ساخته کلینت استوود تجربه ای نوین از کهنسالی یک قهرمان ملی است که اکنون همانند یک قاطر برای دیگران بار جا به جا می کند . سینمایی «قاطر» اگرچه از دل یک مولف ابرقهرمان برخاسته اما به شکست در برابر شخصیت خود اعتراف می کند . شخصیت اصلی بر پایه داستان واقعی نیویورک تایمز شکل گرفته اما مصداق بارز شخصیت مولف با همه گذشته پرافتخار او است . به نظر من «قاطر» عقب نشینی ایستوود به لحاظ تکاپو در حیطه قهرمان پروری است . قهرمانی که ۹۰ سال سن دارد ، باغ بان برتر جغرافیای خود است و اکنون که خود را ترد شده از سوی خانواده می بیند ، برای پر کردن خلع تنهایی و ثروت طعم لذیذ وسوسه را می چشد .

*هی بلوندی

قبل از هرچیز لازم می دانم این توضیح را اضافه کنم که سیر صعودی شخصیت ایستوود در وسترن آمریکایی همچنان ادامه دارد اما ظاهر و زمان آن تغییر کرده است . قهرمان اگر نیروی مبارزه و دوئل را در خود نمی بیند با استفاده از هوش به شکست رقبا می پردازد . همچنان مولف گرایش به تولید سینمایی یک داستان فارغ از محصولات سیاسی و اقتصادی آن دارد و این هویت هنری یک اثر داستانی را حفظ می کند . انتخاب درست قاب ، بازی های مناسب و اجتناب از زیاده گویی شاخصه های اصلی آثار ایستوود هستند . شخصیت کما فی السابق غرور یک آمریکایی وطن پرست را حفظ کرده و در مواجهه با بیگانه (شرقی ها و ...) با تردید و شک رفتار می کند . این بلوندی وسترن اسلحه به کمر اگر با گفتمان توانایی پیشبرد هدف خود را نداشته باشد از شش لول خود استفاده می کند و این شش لول سینمایی است که ایستوود به مخاطب ارائه می دهد . با همه این تفاسیر «قاطر» محصول تجربه ای است از یک قهرمان ملی که نه تنها از خانواده بلکه کم کم از جامعه در حال ترد شدن است . این تبعید به مثابه تنهایی و کهنسالی نیست بلکه نشان دهنده تغییر گرایش جامعه برای رسیدن به نیازهای بدیهی خود است . نگاهی که شخصیت داستان به اینترنت و استفاده از آن دارد یک نگاه عقب افتاده نیست بلکه احساس مبارزه جویانه ای است که با شکست رو به رو می شود .

* وقتی شیر ، قاطر می شود

نقطه ضعف داستان به زعم من چرایی گرایش به همکاری با یک باند خلاف کار نیست بلکه چگونگی آن است . یک داستان هر اندازه چهره واقعی به خود گیرد تا مادامی که چگونگی و چرایی مکمل یک دیگر نباشند نمی تواند انگیزه دراماتیک پیدا کند . انگیزه ایستوود از به نمایش گذاشتن چنین شخصیتی پس از ثبت خاطره ای قهرمانانه از خود در ذهن مخاطب چه بوده است . این که وقتی شیر پیر شد ، قاطر می شود و همه از او سواری می گیرند . انگیزه دراماتیک چرخه ادبیاتی دارد ، فراز و فرود ابژه یکی از ویژگی های هنرمندانه مولف است و مقابله به مثل لازم دارد . در سینمایی «قاطر» ، ایستوود از موضع تهاجمی خود خارج شده است و پس از بیان چرایی در اجرای چگونگی نقطه ضعف های خود را با آرایش سینمایی پوشانده است . جا دارد اشاره ای کنم به «داستان استریت» ساخته دیوید لینچ و شخصیت کهنسال قصه . لینچ به خوبی پیر شدن مردی که قهرمان زندگی خود بوده است را به تصویر کشیده و چگونگی زیستن قهرمانانه شخصیت را در داستان با مقابله به جهش تکنولوژیک زندگی ، هنرمندانه به تصویر کشیده است این

عامل عنصری است که ایستوود با توجه به پیشینه خود هرگز نمی تواند در «قاطر» به آن بپردازد. از سوی دیگر این قیاس اگرچه شاید معالفارق باشد اما در تحلیل عناصر هنری ابزاری است که استفاده از آن لازم است. باید اعتراف کرد که شخصیت ایستوود به لحاظ زمانی و ظاهری عمیقا به شخصیت داستان نزدیک است اما این نزدیکی دلیل بر انتخاب درست مولف نیست. اگرچه ایستوود توانایی به نمایش گذاشتن همه حسیات و ظواهر انسانی برپرده نقره ای را دارد اما این گزینه در برابر شرایط جوی یک داستان اقتباسی از اولویت های حذف است، چرا که اگر جای دزد و پلیس (ایستوود و کوپر) در داستان تغییر کند، داستان استوار روایت خود را ادامه می دهد. انگیزه قاچاقچی برای انتقال یک انگیزه فراتر از نیازهای انسانی است. این عمل به دلیل خفه کردن جاه طلبی درون شخصیتی است که وطن پرستی و کار را به خانواده خود ترجیح می دهد. البته که خود این گرایش دارای تناقض است اما این تناقض موجب رسیدن به نقطه قاقاق در درام نمی شود. خیلی ساده بر اساس چند دیالوگ جوانی نزد ایستوود می رود و با اهدا کارت ویزیت پیشنهاد کار می دهد. شخصیت که چیزی برای ازدست دادن ندارد اگرچه با تعجب اما وارد گاراژ می شود و در مهلکه می افتد. بار منطقی ضعیف داستان عاملی است بر ناتوانی در به تصویر کشیدن چگونگی یک عمل جنایی و دراماتیک. تقریبا اتفاقات در فیلم نامه «قاطر» به شکل تصادف شروع و با یک تصادف به تصادف بعدی متصل می شوند. اصلا بد نیست که تصادف عامل ایجاد درام باشد اما به شدت غیر منطقی است که تصادف عامل ارتباط لحظات داستانی در یک فیلمنامه باشد. چرا و از کجا نیروی پلیس به دنبال این گروه قاچاقچی است صرفا بر اساس چند نشانه متداول قابل قبول نیست. شخصیت پلیس چه ویژگی های منحصر به فردی نسبت به یک پلیس قابل تصور در ذهن بیننده دارد؟ ارتباطی که بین دزد و پلیس بر قرار می شود از چه ویژگی های نوینی برخوردار است و ... اگرچه «قاطر» ایستوود زنگ خطر زندگی سینمایی وی را به صدا در آورده است اما همچنان تماشایی است و بسیاری از مناسبات فرهنگی و هنری (مانند خطاب کردن ایستوود به سیاه پوست که همچنان کاکاسیاه بیان می شود) قابل لمس است و می توان درس های زیادی از سینمای این وطن پرست آمریکایی کسب کرد.